

در پیامی به همایش «بدافند غیرعامل در آموزه‌های دینی با نگاهی به آیه نفی سبیل»:

آیت الله العظمیٰ جوادی آملی نگاہ قرآن به مراحل اقتدار اسلامی را تبیین کرد

همایش مقدماتی «پدافند غیرعامل در آموزه‌های دینی با نگاهی به آیه نفی سبیل» با سخنرانی شخصیت‌های برجسته حوزوی و کشوری در اداره کل تبلیغات اسلامی استان قم برگزار شد.

«أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

«الحمد لله ربّ العالمين و صلى الله على جميع الأنبياء و المرسلين و الأئمة الهداة المهديين سيّما خاتم الأنبياء و خاتم الأوصياء (عليهما آلاف التحية و الثناء) بهم تتولّى و من أعدائهم نتبرّء الى الله».

ایام سوگ و ماتم سید شهیدان جهان حسین بن علی بن ابی‌طالب(ص) را به پیشگاه ولیّ عصر و عموم علاقه‌مندان قرآن و عترت و به شما بزرگواران تسلیت عرض می‌کنیم، مقدم شما فرهیختگان و بزرگواران را گرامی می‌داریم و همه عزیزانی که با ایراد مقال یا ارائه مقاله در محوریت «نفی سبیل» به این نهاد پُر برکت پدافند غیرعامل خدمت کرده و می‌کنند حق‌شناسی می‌کنیم و از مسئولان این نهاد پُر برکت قدردانی می‌کنیم و از برگزارکنندگان این همایش وزین «نفی سبیل» سپاسگزاریم و از خدای سبحان مسئلت می‌کنیم، این نظام را تا ظهور صاحب اصلی خود از هر گزند، محافظت بفرماید!

برنامه‌های دینی از مراحل ضعیف شروع می‌شود تا به مراحل میانی و مراحل عالی می‌رسد. اینکه گفته شد: «اقْرَأْ وَ اُتِقْ»؛ 1 قرآن بخوان و بالا برو! یعنی آیات الهی که به صورت قرآن یا به صورت سخنان نورانی اهل بیت (ع) ظهور می‌کند، درجاتی دارد. جریان «نفی سبیل» از آن مراحل ابتدائی یا میانی است که فرمود: (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)؛ 2 آنها سلطه و قدرتی ندارند، ولایتی ندارند، حاکمیت و حکومتی ندارند. اینکه فرمود خدا قرار نداد، گرچه به صورت جمله خبری است؛ اما به داعی انشاء القاء شده است.

این انشاء، یعنی کافر حق ندارد چنین کاری بکند و غیر مسلمان مجاز نیست که خود را مستط بر مسلمین قرار بدهد: (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)، مستحضرید که این حُکم را گرچه کافر حتی به فروع، مثل اصول معتقد باشد، ولی چون عمل مکلف باشد، ولی چون معتقد نیست، عمل نمی‌کند نمی‌توان به کافر گفت این مطلب برای تو جایز نیست؛ زیرا کافر به این اصول و مبانی و مبادی معتقد نیست، پس حکم گرچه به کافر توجه کرده، ولی مخاطب اصلی، مسلمان‌ها هستند، یعنی ای مسلمان‌ها! هرگز کاری نکنید که تحت سلطه کافر قرار بگیرید، سلطه آنها را بی‌پذیرید، نفوذ آنها را بی‌پذیرید و خود را تحت قهر

آنها قرار بدهید! (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)؛ یعنی ای مسلمان‌ها، ای مؤمنان! بکوشید که تحت سلطه آنها نروید، این مراحل ابتدائی کار است.

اینکه فرمود: (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا)؛ یعنی برای آنها سلطه قرار نداد، معنایش این نیست که برای شما سلطه قرار داد، اگر آنها مسلط نیستند، معنایش این نیست که شما مسلط باشید، این مراحل ابتدائی است؛ لکن در مراحل نهائی می‌بینیم به این نتیجه می‌رسیم که حتماً شما باید مسلط باشید، همواره شما باید حرف اول را بزنید. حالا عنایت کنید تا به آن نتیجه برسید.

در بخش دیگر فرمود: (وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً)؛³ یعنی حتماً آنها ستبری و ستیزی را در شما احساس کنند. این امر، امر غایب است و محور اصلی این خطاب هم کفارند، کافر که معتقد به قرآن و عترت نیست، چگونه می‌شود او را مأمور کرد که بگوئیم حتماً تو باید در نظام اسلامی و نیروی نظامی مسلمان‌ها احساس هراس بکنی؟! این گرچه دستور به صورت امر غایب متوجه کفار شد که (وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً)؛ اما مقصود اصلی و مخاطب اصلی، اگر این امر غایب به صورت امر حاضر ظهور کند، مسلمان‌ها هستند؛ یعنی «أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ، أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ» آن قدر ستبر و نفوذناپذیر باشید که بیگانگان درباره شما احساس ستبری کنند، مثل اینکه هیچ انسان عاقلی با بیل و کلنگ به جنگ سلسله جبال البرز نمی‌رود، با کلنگ به جنگ قله دماوند نمی‌رود، درباره آن قله احساس قدرت و اقتدار و عزت و مناعت می‌کند: (وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً)، این هم یک مرحله.

از مراحل بعدی آن است که در سخنان نورانی امیرمؤمنان (ع) آمده است که «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ»⁴ سنگ ستبر از هر جایی که آمد برگردانید. سنگ‌پذیر، ستم‌پذیر، سلطه‌پذیر نباشید. دفاع مقدس هشت ساله از این قبیل بود که سنگ ستم را برگرداند، یعنی امت اسلامی ستم را نپذیرفت. در همین زمینه وجود مبارک امیرمؤمنان مطلب دیگری دارد که «لَا يَمْنَعُ الضَّيْمَ الدَّلِيلُ»⁵ ستم را، ظلم را، تحمیل را جز جامعه فرومایه و امت ذلیل و پست تحمل نمی‌کند و چون (وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ)،⁶ مؤمنین و جامعه اسلامی و ایمانی عزیز است، هرگز ستم‌پذیر نیست این مرحله نشان می‌دهد که جامعه اسلامی آن قدر باید مقتدر باشد که بیگانه نتواند او را مورد ستم قرار دهد و او ستم را دفع می‌کند و ستم را از خود می‌راند این (وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً)، لسانش قوی‌تر از آن (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) است، لسانش قوی‌تر از «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ» است. در آن بیانی که حضرت فرمود سنگ ستم را برگردانید، این در حقیقت ناظر به دفاع است بعد از حمله، یعنی اگر بیگانه‌ای سنگ زد شما دفع کنید، اما (وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً)؛ یعنی آن قدر قوی باشید که بیگانه سنگ ستم را به طرف شما پرت نکند، بنابراین یک مرحله این است که «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ» مرحله دیگر این است که (وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً).

تاکنون روشن شد که هیچ کافری بر مسلمان، هیچ کفری بر اسلام، هیچ دولت کافری بر دولت اسلامی، هیچ ملت کافری بر ملت اسلامی سلطه و نفوذ ندارد و نباید داشته باشد. عمده آن است که وجود مبارک رسول گرامی (علیه و علی آله التَّحِيَّةُ و الثَّناء) فرمود: «الاسلام يعلو ولا يعلى عليه»⁷ اسلام بالاست و چیزی بالاتر از اسلام نیست، یعنی جامعه اسلامی بالا هستند و چیزی بالاتر از جامعه اسلامی نیست.

علو و برجستگی و رفعت جامعه اسلامی هم باید در علم ظهور کند، هم در عمل ظهور کند، هم در سلطه و قدرت نظامی ظهور کند، هم در هوشمندی سیاسی و دیپلماسی ظهور کند.

در تمام جهات باید اسلام عالی باشد نه مورد اعتلا، «الاسلام يعلو ولا يعلى عليه»، دو عنصر اصلی است که کشور را از گزند حمله بیگانه نجات می‌دهد، شما عزیزان پدافند غیرعامل، مانند سایر ارگان‌ها و نهادهای پُر برکت اسلامی و نظامی مستحضرید، اگر قدرت نظامی نباشد، هوشمندی سیاسی و دیپلماسی نباشد، ممکن است خدای ناکرده امت آسیب ببیند، هم قدرت نظامی را باید تقویت کرد: (حَدِّثُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ)،⁸ «أَيُّ بَقْوَةِ الْأُيُودِ»، هم هوشمندی سیاسی و دیپلماسی را باید تقویت کرد: (حَدِّثُوا حِذْرَكُمْ)،⁹ یعنی تیزهوشی، هوشمندی، آگاهی، رهائی از سلطه‌پذیری، رهائی از نفوذپذیری در همه شما مخصوصاً مسئولان محترم باید باشد.

بنابراین اول از مرحله «نفی سبیل» شروع شده و همچنین اول از مرحله «رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ» شروع شده، بعد به مرحله (وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً) رسیده، بعد اوجش در این است که «الاسلام يعلو ولا يعلى عليه»، یعنی این امانت الهی در دست شماست، هم شما برترید، هم اسلام برتر است، برتری شما به برکت برتری اسلام است که امیدواریم تاکنون این نظام را ذات اقدس الهی در سایه قدرت نظامی از یک سو و قدرت هوشمندی و هوشیاری امت اسلامی از سوی دیگر حفظ کرد، از این به بعد هم این نظام را تا ظهور صاحب اصلی خود حفظ کند! مجدداً مقدم همه شما را گرامی می‌داریم، از عزیزان و بزرگوارانی که در این پدافند غیرعامل تلاش و کوشش کردند، در طی این دوازده سال این اصل را گرامی داشتند، ذات اقدس الهی به أحسن وجه بپذیرد!

نظام ما، رهبر ما، مراجع ما، دولت و ملت و مملکت ما را مشمول ادعیه زاکیه ولی عصر قرار بدهد!

روح مطهر امام راحل و شهدا و

ارواح پاک جانبختگان مکه و منا را مشمول عنایت ویژه خاص خود قرار بدهد و مشکلات مملکت را در سایه لطف ولی خود حل بفرماید!

«غفر الله لنا و لكم و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته»

*پی‌نوشت‌ها:

1. الکافی (ط الإسلامية)، ج 2، ص 606.

2. سوره نساء، آیه 141.

3. سوره توبه، آیه 123.
4. نهج البلاغه (للصبحی صالح)، خطبه 314.
5. نهج البلاغه (للصبحی صالح)، خطبه 29.
6. سوره منافقون، آیه 8.
7. نهج الفصاحه، ص 25.
8. سوره بقره، آیه 63 و 93؛ سوره اعراف، آیه 171.
9. سوره نساء، آیه 71 و 102.